

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: گونزالو لیرا  
برگردان: سایت تدارک  
فرستنده: علی مشرف  
۲۸ اپریل ۲۰۲۲

## جنگ در اوکراین، یک جمعبدی فشرده

جنگ در ۳۰ روز اول سریع، حيله و رزانه و همراه با تصرف صوری پهنه های وسیعی از قلمرو اوکراین برای وارد آوردن فشار بر رژیم زلنسکی در جهت مذاکره بود. اما قطع ارتباط همه جانبه مالی و سیاسی غرب با روسیه به معنای آن است که آن‌ها دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و البته چیزهای زیادی برای به دست آوردن

\*\*\*\*\*

### یادداشت سردبیر:

مطلب زیر رشته توثیقی است که گونزالو لیرا درباره وضعیت کنونی و چشم انداز محتمل جنگ در اوکراین به نگارش در آورده است. انتشار مطلب از دو جهت مفید است. نخست این که مطلب را گونزالو لیرا نوشته است. او که بتازگی برای مدتی در بازداشت نیروهای امنیتی اوکراین بود و پس از آزادی نیز اجازه خروج از خارکف را نداشت. بر من معلوم نیست که او اکنون در کجاست. اگر در خارکف است، روشن است که با فعالیتهایی اینگونه باز هم در معرض خطر حاد قرار دارد. در حساب توثیقی وی پست اول از تاریخ ۲۲ اپریل است. او در آنجا می‌نویسد: «برای دریافت حقیقت رژیم زلنسکی اسامی زیر را در گوگل سرچ کنید» و آن اسامی نامهای افرادی اند که در همین مدت اخیر در اوکراین به قتل رسیده اند. سیاستمداران، کمونیستها و فعالان رسانه‌ئی. لیرا در پایان توثیق می‌نویسد: «یک بار دیگر: اگر برای ۱۲ ساعت از من چیزی نشنیدید، نام من را هم به این لیست اضافه کنید».

معنای توثیق مزبور چیزی نیست جز این که وی همچنان در خارکف و در دسترس آدمکشان رژیم لیبرال-فاشیست به سر می‌برد. می‌توان در این باره حرف زد که آیا اینگونه عمل کردن عاقلانه و دوراندیشانه هست یا نه. اما از یک چیز نمی‌توان خودداری کرد: برداشتن کلاه به احترام چنین کسان معدودی که تحقق موجودیت انسانی خویش را در دفاع از حقیقت می‌بینند، حتی اگر به بهای جانشان تمام شود. همین یک دلیل برای انتشار متن زیر کافی بود.

اما مطلب از جهت دیگری نیز کاملاً مفید است. لیرا ارزیابی فشرده‌ای از روال تاکتونی جنگ ارائه می‌کند که در تقابل تمام‌عیار با روایت پروپاگاندا کر کننده غرب قرار دارد. ابعاد این پروپاگاندا چنان وسیع و قدرت آن به حدی است که تأثیر آن حتی از خود کشورهای غربی فراتر رفته و بسیاری از ناظران و فعالان سیاسی - حتی مخالف غرب - را به این نتیجه گمراه‌کننده رسانده است که روسیه تا همین امروز شکست سختی را متحمل شده است و توان پیروز شدن بر

ارتش اوکراین را ندارد. روشن است که چنین ارزیابی با چه نتایج سیاسی همراه می شود. لیرا نشان می دهد که چنین نیست. و در این زمینه نیز لیرا نخستین کسی نیست که به بررسی جدی روند جنگ در اوکراین می پردازد و به نتایجی کاملاً متفاوت می رسد. حقیقتاً هر کارشناس نظامی جدی و متکی به رأی خود نیز به همین نتایج می رسد و این را نه فقط اظهارات اشخاصی مانند آندره مارتیانوف روس تأیید می کنند، بلکه صاحب نظران دارای تجربه و آموزش نظامی در خود امریکا از قبیل اسکات ریتر و سرهنگ مک گرگور نیز به طور مداوم بر آن تأکید می کنند. برخی از آنان از قبیل مک گرگور حتی تا آنجا پیش می روند که «روسیه جنگ را در همان روز اول برد». چیزی که ما نیز در آغاز نبرد اوکراین با اعلام این که «ناتو مرد» گفتیم. حقیقتاً نیز آنچه غرب و پیمان نظامی اش به نمایش گذاشته اند، البته در وخامت اوضاع و افزایش تلفات انسانی و ویرانی ها مؤثر واقع شده است، از نظر نظامی اما چیزی بیش از عملیات ایذائی یک لشکر شکست خورده نیست. این که روسیه در مقابل چشمان تمام جهانیان بخشهای از اوکراین را اشغال کرده است و ناتو با تمام دبدبه و کبکبه اش پشت صحنه قرار گرفته است، نه ناشی از صلحدوستی کشورهای ناتوی و مسؤولیت پذیری آنان در قبال خطر احتمالی یک جنگ سوم جهانی است و نه ناشی از آن که اوکراین رسماً عضو ناتو نیست. این کشورگشایان و متجاوزان بالفطره برای خیلی کمتر از این ها خاک این و آن کشور را به توبره کشیده اند. ناتوانی آنان در ورود به یک رویارویی نظامی با روسیه است که آنان را به چنین روزی انداخته است.

در مورد ارزیابی های گونزالو لیرا از آینده اوکراین می توان اختلاف نظر داشت. حتی در مورد پایان احتمالی این جنگ نیز می توان حالت های دیگری را نیز تصور نمود. از جمله کشانده شدن جنگ به مناطق دیگر که با اجلاس امروز مقامات ۲۰ تا ۴۰ کشور در پایگاه امریکائی رامشتاین می توان آن را حقیقتاً محتمل دانست. با این حال، اساس ارزیابی میدانی گونزالو لیرا بیش از تمام تبلیغات سازمانهای امنیتی غربی و رسانه های آنان با واقعیت انطباق دارد.

\*\*\*\*\*

یک جمع بندی فشرده برای کسانی که روند وقایع را تعقیب نکرده اند اما مایل به فهمیدن آن هستند:

۲۴ فیبروری، روسها از جنوب، جنوب شرقی، شرق و شمال تهاجم خود را با یک کمپین سریع آغاز کردند. آن ها با ۱۹۰ هزار نفر این تهاجم را آغاز کردند، در برابر ۲۵۰ هزار نفر نیروی رزمی اوکراینی روسیه ۳۰ هزار نفر را پیرامون کیف مستقر نمود. نیروئی که اصلاً برای فتح کیف کافی نبود، اما به اندازه ای کفایت می کرد که حدود ۱۰۰ هزار نفر از مدافعان ارتش اوکراین را میخکوب کند. روسیه همچنین در چند محور دست به حمله زد، همراه با نیروهای تقویتی در حال آماده باش (از جمله ستون ۴۰ کیلومتری تانکها) برای به کار گیری در نقاط مورد نیاز.

حمله ضربتی روسیه به طور اساسی مانع جنگ ضربتی اوکراین شد. ارتش اوکراین در شرف تهاجم به دنباس بود. این انگیزه بلاواسطه تهاجم روسیه بود: برای پیشدستی کردن و خنثی کردن تهاجم در شرف وقوع. امری که در آن موفق شدند.

همچنین با حمله از شمال و جنوب، روسها زنجیره ارسال اسلحه از سوی ناتو را مختل نمودند. اگر روسیه فقط به شرق حمله می کرد تا مانع حمله ارتش اوکراین به دنباس شود، دالان بازی برای تأمین اسلحه از جانب غرب باقی می ماند. تهدید کیف مانع از آن شد.

به این ترتیب پیکره اصلی ارتش اوکراین در شرق زمینگیر شد و بقیه ارتش اوکراین منزوی و میخکوب شدند و تأمین اسلحه از جانب غرب با دشواری مواجه شد. بعد از آن روسیه مشغول در هم کوبیدن ارتباطات فرماندهی و هدایت و تأمین سلاح شد که باز هم به انزوای بیشتر بخشهای ارتش اوکراین انجامید.

در مدت زمان کمی روسها قلمروئی معادل انگلستان را در اوکراین تحت کنترل خود در آوردند، اما این کنترولی سطحی بود. جنوب اوکراین به کلی در چنگال روسها بود. ارتش اوکراین در پیرامون خرسون بسادگی از هم پاشید. ماریوپول به یک میدان نبرد تبدیل شد، به همانگونه که دنباس شد.

آنچه روسها در ابتدا می‌خواستند این‌ها بود:

- از کار انداختن تهاجم قریب الوقوع به دنباس - که انجام دادند.

- مرعوب کردن رژیم زلنسکی و وادار کردن آن به مذاکره برای راه حل سیاسی - که موفق نشدند.

کی‌یف به علت دستورات دریافتی از واشنگتن هیچ قصدی برای مذاکره پیرامون یک آتش بس نداشت: "تا آخرین اوکراینی با روسها بجنگید!" همچنین ارادل نئونازی پیرامون زلنسکی به علت وحشتی که از روسها دارند او را در صورت مذاکره و تسلیم تهدید نمودند. زلنسکی کمپین سنگین پروپاگانداستی را آغاز کرد که مقدماتاً به نیروهای ارتش اوکراین انگیزه روحیه مبارزه تا مرگ را بدهد. افسانه‌ها ساخته شدند (مانند افسانه شبح کی‌یف)، حملات با پرچم دروغین صورت گرفتند (بوچا و کراماتورسک) و داستانهای بیشرمانه رسانه‌ئی ساخته و پرداخته شدند.

روسها به مذاکرات ادامه دادند و تلاش نمودند که زیرساختهای اوکراین را تخریب نکنند. حقیقتاً آن‌ها در ابتداء حتی تلاش کردند که حداقل تلفات را بر ارتش اوکراین وارد کنند. مستندات بیش از اندازه ای برای این ادعا وجود دارد: روسیه زیرساختهای غیر نظامی را مورد حمله قرار نداد - آب، برق، تیلیفون، حمل و نقل. آن‌ها به خوابگاههای نظامی، مراکز فرماندهی، ساختمانهای دولتی و غیره حمله نکردند. ترجیح مقدماتی روسها دستیابی به «راه حلی در مذاکره» بود. اما در پایان مارچ آن‌ها پی بردند که این امکانپذیر نیست.

این علت عقب نشینی روسیه از کی‌یف بود. نگه داشتن افراد در نزدیکی شهری که دیگر فایده‌ای برای منظور مورد نظر نداشت، امری بیهوده بود: تولید فشار سیاسی بر رژیم زلنسکی برای وادار کردن آن به مذاکره. این عقب نشینی از طرف مقابل به عنوان «پیروزی» در «نبرد کی‌یف» جار زده شد! او!

در پایان مارچ روسها عقب نشینی کردند و کنترل خود را بر مناطق تحت تصرف خویش تحکیم نموده و مناطقی را که حفظشان برای آنان بیمورد و یا بالقوه همراه با هزینه‌های بالا بود، به ارتش اوکراین واگذار کردند. دستگاه پروپاگاندا اوکراین تمام این عقب نشینی‌ها را «پیروزی» قلمداد کرد.

اما هنوز روزنه‌ای برای امکان آن بود که جنگ از طریق راه حلی در مذاکرات خاتمه یابد اما این نیز در اوایل اپریل از بین رفت. بعد از مذاکره‌های استانبول در ۳۰ مارچ طرف اوکراینی محتاطانه با برخی سازشها موافقت نمود اما در عرض یک هفته به طور علنی مخالفت خود را با آن امتیازات اعلام کرد. این زمانی بود که روسها پی بردند که رژیم زلنسکی توافق ناپذیر است: اربابان واشنگتنی آن، به ویژه ویکتوریا نولند و آنتونی بلینکن، اجازه صلح را نخواهند داد. آن‌ها این جنگ را برای خشکاندن روسیه می‌خواهند. این یک جنگ کلاسیک نیابتی است و اوکراین بهای آن را خواهد پرداخت.

چیز دیگری نیز بود که روسها با آن مواجه شدند: تحریم‌ها. تحریم‌ها به روسیه ضربه وارد کردند اما روسها با سرعت قابل توجهی واکنش نشان دادند. تحریم‌ها خیلی هم به سختی ضربه نزدند. اما دزدیدن ذخایر ارزی ۳۰۰ میلیارد دلاری روسیه از سوی غرب ضربه سختی بود. روسها پی بردند که اکنون در یک جنگ همه جانبه با غرب قرار دارند و به همین دلیل ذخایر ارزی خارجی آنان برای همیشه از بین رفته‌اند (متملاً از سوی سیاستمداران فاسد غربی غارت می‌شوند). روسها اکنون دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند. با دزدیدن ذخایر ارزی آنان، غرب تمام اهرم قدرت بر روسیه را از دست داد.

این سرنوشت اوکراین را رقم زد: روسها اکنون هیچ علاقه‌ای به از دست دادن چیزی که فتح کرده‌اند ندارند. این برای آنان هزینه زیادی از تلفات انسانی و مالی در بر داشت. و آن‌ها می‌دانند که قادر به مذاکره برای آتش بس نخواهند بود. رژیم زلنسکی خیلی ساده چنین قرار هائی را نقض خواهد کرد.

این‌ها به این معنا است که:

روسها اکنون قصد دارند که تمام جنوب و شرق اوکراین را تصرف و به روسیه ملحق کنند. این علت تغییر دراماتیک ستراتیژی آنان در میدان نبرد است: اکنون آن‌ها در حال انجام پودر کردن آرام و روش مند و از هم گسیختن تار و پود ارتش اوکراین هستند.

جنگ در ۳۰ روز اول سریع، حيله و رزانه و همراه با تصرف صوری پهنه های وسیعی از قلمرو اوکراین برای وارد آوردن فشار بر رژیم زلنسکی در جهت مذاکره بود. اما قطع ارتباط همه جانبه مالی و سیاسی غرب با روسیه به معنای آن است که آن‌ها دیگر چیزی برای از دست دادن ندارند و البته چیزهای زیادی برای به دست آوردن: دنباس سرشار از مواد معدنی است، زمینهای کشاورزی حقیقتاً حاصلخیز اوکراین در شرق و جنوب قرار دارند، خارکف یک شهر بزرگ صنعتی است و بحیره آزوف دارای منابع گازی بیشماری است.

و در ضمن، مردم دوستشان دارند. چرا روسیه باید اکنون این جایزه به سختی کسب شده را رها کند؟ و اشتباه نکنید، آن‌ها تا همین حالا برنده شده اند. از هر فرد نظامی که جیره خوار سیستم نیست بپرسید، به شما خواهد گفت: نه راهی برای ارتش اوکراین هست و نه برای کشور اوکراین. آن‌ها نه نیروی زرهی دارند، نه دفاع ضد هوایی، نه سوخت، نه مهمات. ماجرا تمام شده است.

تراژیدی بزرگ در این است که هزاران مرد جوان جان خود را از دست خواهند داد و آن هم بدون این که نیازی بدان بوده باشد!! برای به تعویق انداختن امری که اجتناب‌ناپذیر است، این پسران شجاع باید قهرمانانه بجنگند و اینچنین جوان و اینچنین زجرآور بمیرند. به خاطر رژیم شیطان‌ی زلنسکی. این حقیقت تلخ است.

و در پایان کار، این نقشه ای خواهد بود که بر جا می‌ماند. تصویر تلخی از آینده اوکراین. روسیه میلیاردها در مناطق تازه تصرف شده اش هزینه خواهد کرد که رونق خواهند داشت و شکوفا خواهند شد. اما آن تکه اوکراین باقیمانده فقیر، ویران و فراموش شده به جا خواهد ماند. یک تراژیدی.



گونزالو لیرا/۲۶ اپریل ۲۰۲۲